

زیارت حضرت رسول ﷺ از راه دو

بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، أَعْلَامٌ

خشنود و معتقدم، و گواهی می‌دهم که امامان از اهل بیت مشعلهای

الهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا. اللَّهُمَّ

هدایت و دستاویزهای استوار و حجتهای بر اهل جهانند. خدایا

لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَإِنْ

این زیارت را آخرین زیارت پیامبرت (درود بر او و خاندانش) قرار مده، و اگر مرا

تَوَفَّيْتَنِي فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي، عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنَّكَ

میراندی، پس من در مردنم شهادت می‌دهم بر آنچه در حیاتم شهادت دادم،

أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

که تویی خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی، و محمد

عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَوْلِيَاؤُكَ

بنده و فرستاده تو است، و امامان و اولیایت،

وَأَنْصَارُكَ، وَحُجْبُكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ،

و یاران، و حجتهای تو بر خلقت، و جانشینان تو در میان بندگانت،

وَأَعْلَامُكَ فِي بِلَادِكَ، وَخُرَّانُ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةُ سِرِّكَ، وَتَرَاجِمَةٌ

و نشانه‌های تو در کشورهایت، و خزانه‌داران دانشت، و نگهبانان رازت، و ترجمانان

وَحْيِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ

و حیت می‌باشند. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به روان محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، تَحِيَّةً مِنِّي

و خاندانش در این ساعت و در هر ساعت از جانب من تحیت

وَسَلَامًا، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

و سلام برسان، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای رسول خدا،

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ. شَيْخ طَوْسِي فِي «مُصْبِح» وَ

خدایا این سلام را آخرین سلام من قرار ندهد. شیخ طوسی در «مصباح» و

سَيِّدِ ابْنِ طَاوُوسٍ فِي كِتَابِ جَمَالِ الْأُسْبُوعِ فِي رَابِطِهِ بِأَعْمَالِ

زیارت حج طاهر در روز جمعه

روز جمعه فرموده‌اند: زیارت رسول خدا ﷺ در روز جمعه مستحب است و از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: هر که در شهر خود باشد و بخواهد قبر رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و سایر حجج طاهره علیهم السلام را زیارت کند در روز جمعه غسل کند، و دو جامه پاکیزه بپوشد، و به صحرائی برود، و به روایت دیگر بر بام خانه بالا رود، چهار رکعت نماز با هر سوره‌ای که ممکن شود بخواند، و پس از پایان نماز، رو به قبله بایستد و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، سلام بر تو

أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ، وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى، وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى،

ای پیامبر فرستاده شده، و بر وصی ملقب به مرتضی، و بانوی بزرگ،

وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ، وَالسَّبْطَانِ الْمُتَجَبَّانِ، وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ،

و سیده زهرا و دو فرزندزاده و اولاد برجسته،

وَالْأَمْنَاءُ الْمُتَجَبُّونَ؛ جِئْتُ انْقِطَاعًا إِلَيْكُمْ، وَإِلَى آبَائِكُمْ،

و امینان نجیب، آمدم با جدایی از خلق، به جانب شما و پدرانتان،

وَوَلَدِكُمْ الْخَلْفَ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَنُصْرَتِي

و فرزندتان، آن یادگار صالح به برکت حق، دلم تسلیم شماست، یاری ام

لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِدِينِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ

برای شما آماده است، تا خدا به دینش حکم کند، با شمایم با شما، نه با

عَدُوِّكُمْ، إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ،

دشمنان شما، من به فضل شما گویایم و به رجعت شما اقرار دارم،

زیارت حج ماه سردر و جمعه

لَا أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً، وَلَا أَزْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ. سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي

هیچ قدرتی را بر خدا انکار ندارم، و گمان ندارم جز آنچه را خدا خواسته باشد، منزّه است خدا، دارنده

الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ، وَالسَّلَامُ

ملک و ملکوت، خدا را با نامهایش همه خلقش تسبیح می کنند. سلام

عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

بر جانها و بدنهای شما، و سلام و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتُهُ.

بر شما باد.

مؤلف گوید: روایات بسیاری وارد شده که از هر کجا سلام و صلوات بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرستاده شود، به آن حضرت خواهد رسید. در روایتی وارد شده: ملکی موکل است هر مؤمنی بگوید: صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن ملک در جواب او بگوید: وَعَلَيْكَ پس از آن به حضرت عرض کند: ای رسول خدا فلان شخص بر شما سلام داد، آن حضرت فرماید: وَعَلَيْهِ السَّلَامُ. در روایت معتبر آمده، آن حضرت فرمود: هر که قبر مرا پس از مرگ من زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم به سوی من هجرت کرده، پس هرگاه استطاعت ندارید، به زیارت قبر من آید، به سوی من سلام فرستید، که آن سلام به من خواهد رسید، و اخبار با این مضمون بسیار است، و ما در باب اول در ذکر

زیارت حج طاهره در روز جمعه

زیارت حج طاهره در ایام هفته، دو زیارت برای رسول خدا ﷺ در روز شنبه [صفحه ۱۴۶] نقل کردیم، اگر خواستی به آنجا مراجعه کن، و خود را به فیض خواندن آنها نائل ساز [در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در اذن دخول رواق مطهرش زیارت مختصری از پیامبر ﷺ بیاید. مؤلف]. شایسته است صلوات فرستادن بر آن حضرت به آن صلواتی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود در روز جمعه، بر آن جناب فرستاد، این صلوات در کتاب «روضه کافی» چنین است:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا،

به درستی که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

بر او درود فرستید و سلام کنید سلامی کامل، خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَحَنَّنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، و بر محمد و خاندان محمد مهر ورز،

وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ،

و بر محمد و خاندان محمد سلام فرست، همانند برترین درود و برکت

وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ، وَسَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ؛ إِنَّكَ

و رحمت و مهرورزی و سلامی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی، تو

حَمِيدٌ مُجِيدٌ. اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ، وَ الشَّرْفَ

ستوده و بزرگواری. خدایا به محمد عطا کن وسیله و شرف

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ الْكَرِيمَةَ . اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَآلَ

و برتری و منزلت کریمانه. خدایا قرار ده محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ أَعْظَمَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ، شَرَفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَقْرَبَهُمْ مِنْكَ

محمد را بزرگترین همه خلائق، از جهت شرافت در روز قیامت، و نزدیکترین آنها به

مَقْعَدًا، وَأَوْجَهَهُمْ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَاهًا، وَأَفْضَلَهُمْ

خود از نظر جایگاه، و ابرومندترینشان در روز قیامت از جهت شرف و عزت و برترینشان

عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَنَصِيبًا. اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا أَشْرَفَ الْمَقَامِ،

در پیشگاهت از حیث منزلت و بهره مندی. خدایا به محمد شریفترین مقام

وَحِبَاءَ السَّلَامِ، وَشَفَاعَةَ الْإِسْلَامِ . اللَّهُمَّ وَالْحَقْنَا بِهِ غَيْرَ

و جایزه و سلام و شفاعت اسلام را عطا کن. خدایا ما را به او ملحق گردان

خَزَايَا، وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا نَادِمِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ؛ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ .

نه با رسوایی و پیمان شکنی و پشیمانی و تغییر حقایق، ای معبود حق دعاها مستجاب باد.

و در اواخر باب زیارات صلواتی بر آن حضرت و خاندان او

علیهم السلام خواهد آمد.

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

یعنی: حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین امام محمد باقر

و امام جعفر صادق علیهم السلام

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی، باید آنچه در

آداب زیارت ذکر شد بجا آوری یعنی غسل و طهارت،

و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش

و اذن دخول و مانند اینها. و نیز چنین بگو:

زیارت ائمه کبیر علیهم السلام

يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ، الذَّلِيلُ بَيْنَ

ای سرپرستان من، ای فرزندان رسول خدا، بنده شما، و فرزند کنیز شما، که خوار

أَيْدِيكُمْ، وَالْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ،

در برابرتان هستم، و فزاینده در والایی قدرتان، و اعتراف کننده به حق شما،

جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى

آمده به پیشگاهتان، در حالی که پناهنده به شما و قصد کننده حرم شما، و متقرب

مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ؛ أَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ؟ أَدْخُلُ

به سوی شماست، متوسل به خدا است به وسیله شما، آیا وارد شوم ای سرپرستانم، آیا وارد شوم

يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ؟ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ،

ای اولیای خدا، آیا وارد شوم ای ملائکه خدا، که در برگیرنده این حرم،

الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ؟ وَ پس از خشوع و خضوع و رقت

و مقیم در این زیارتگاهید؟

وارد شو، و پای راست را در ورودت مقدم بدار و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً

خدا بزرگتر است، بزرگتر، خدا را سپاس بسیار، در بامداد

وَأَصِيلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ،

و شامگاه، و سپاس خدای را خدای فرد و بی نیاز، و بزرگوار و یکتا

الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ، وَسَهْلِ

تفضل کننده و نعمت دهنده، عطا بخش و مهرورز، خدایی که به کرمش منت نهاد، و به احسانش

زِيَارَةَ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنوعًا، بَلْ

زیارت سرورانم را آسان نمود و از زیارتشان محروم نکرد، بلکه تفضل و بخشش

تَطَوَّلَ وَمَنَحَ. پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو، و پشت به

بی پایان بی دریغ نمود.

قبله و رو به قبر ایشان بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى؛

سلام بر شما ای پیشوایان هدایت،

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ

سلام بر شما ای اهل پرهیزکاری، سلام بر شما ای حجتها

عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِيَّةِ

بر اهل دنیا، سلام بر شما ای قیام‌کنندگان به عدالت در میان

بِالْقِسْطِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ

آفریدگان، سلام بر شما ای اهل برگزیدگی، سلام بر شما ای خاندان

رَسُولِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى؛ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ

رسول خدا، سلام بر شما ای اهل راز، شهادت می‌دهم که دعوت حق

وَنَصَحْتُمْ، وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَ كُذِّبْتُمْ وَأُسِئَ إِلَيْكُمْ

را رساندید، و خیرخواهی نمودید، و در راه حق شکیبایی کردید، و تکذیب شدید، و نسبت به شما بد رفتاری شد،

فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ

ولی شما گذشت کردید، و شهادت می‌دهم که شما امامان هدایت و هدایت یافته‌اید،

طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ

و طاعت شما واجب، و گفتار شما صدق است، شما دعوت کردید،

تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ، وَأَرْكَانُ

ولی اجابت نشدید، و دستور دادید، ولی اطاعتتان نکردند، شما ستونهای دین و پایه‌های

الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ،

زمین هستید، همواره تحت توجه خدا بودید، که شما راز صلبهای هر انسان پاک بر می‌داشت،

وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ

و به رحمهای پاکیزه منتقلتان می‌نمود، جاهلیت سخت

الْجُهْلَاءِ، وَلَمْ تُشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طَبْتُمْ وَطَابَ

و سنگین شما را آلوده نکرد، و فتنه‌های هوا در شما شرکت نجست، پاک بودید

مَنْبِتُكُمْ، مَنْ بَكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ

و جای روییدن شما پاک بود، جزا دهنده روز جزا به وجود شما بر ما منت نهاد، پس قرارتان داد در خانه‌هایی که

اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا اسْمَهُ، وَجَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا،

خدا اجازه داد رفعت یابد، و نامش در آن خانه‌ها ذکر گردد، و درودمان را بر شما رحمت برای ما

وَكَفَّارَةً لِّذُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ

و کفارہ و گناہانمان قرار داد، زیرا خدا شما را برای ما انتخاب کرد، و آفرینش ما را

عَلَيْنَا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ

به آنچه از ولایت شما بر ما منت نهاد پاکیزه ساخت، و ما در پیشگاه خدا از نامبردگان به دانش شما و اقرارکنندگان

بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِّنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَاً وَاسْتِكَانٍ،

به تصدیقمان نسبت به شما بودیم، این است جایگاه کسی که زیاده روی کرد، و دچار خطا شد، و درمانده گشت،

وَاقْرَبْنَا بِمَا جَنَى وَرَجَا بِمِقَامِهِ الْخَلَّاصِ، وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ

و به آنچه جنایت کرد اقرار نمود، و به این جایگاهش نجات خود را امید دارد، و اینکه به وسیله شما

مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِيِّ مِنَ الرَّدِيِّ، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ

از ورطه هلاکت برهاندش رهاننده هلاک شدگان شما شفیعیان من باشید، آنگاه که وارد بر

إِلَيْكُمْ، إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوءًا،

شما شوم همانگاه که مردم دنیا از شما روگردانده اند، و آیات خدا را به مسخره گرفتند،

وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا؛ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو،

و از قبول آنها تکبر کردند، ای که او پایرجاست و غفلت نمی کند، و پاینده است و سرگرم نمی شود،

وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَعَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي

و به همه چیز احاطه دارد، تو را منت است به آنچه مرا موفق نمودی، و شناساندی به من آنچه

عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَحَفُّوا

را بر آنم واداشتی، آنگاه که بندگانت از او بازداشتند، و شناختش را نادان بودند،

بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ، مَعَ أَقْوَامٍ

و حقش را سبک شمردند، و به جانب غیر او میل نمودند، پس از جانب تو بر من منت بود، با اقوامی

خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي

که اختصاص دادی آنها را به آنچه مرا به آن اختصاص دادی، پس تو را سپاس، به خاطر اینکه در

مَقَامِي هَذَا، مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرَمْنِي مَا رَجَوْتُ،

این جایگاهم نزد تو یاد شده و ثبت شده بودم، از آنچه امید کردم مرا محروم مکن،

وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ؛ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ؛ وَصَلَّى اللَّهُ

و در آنچه خواندم ناامیدم مساز، به حرمت محمد و خاندان پاکش، و درود خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. پس برای خود به هر چه که خواهی

بر محمد و خاندان محمد.

دعا کن. شیخ طوسی (ره) در کتاب «تهذیب» فرموده: پس از آن هشت رکعت نماز زیارت بجای آور، برای هر امامی دو رکعت، و شیخ طوسی و سید ابن طاووس گفته‌اند:

چون خواستی ایشان را وداع کنی بگو: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

سلام و رحمت و برکات

أَيُّمَّةَ الْهُدَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ أَسْتَوِدِعُكُمْ اللَّهَ، وَأَقْرَأُ

خدا بر شما ای پیشوایان هدایت، شما را به خدا می‌سپارم، و بر شما

عَلَيْكُمْ السَّلَامَ؛ آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ، وَمِمَّا جِئْتُمْ بِهِ، وَدَلَلْتُمْ عَلَيْهِ.

سلام می‌فرستم، به خدا و رسول، و به آنچه شما آوردید و بر آن راهنمایی کردید ایمان آوردیم.

اللَّهُمَّ فَاکْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

خدایا ما را با گواهان بنویس.

سپس بسیار دعا کن، و از خدا بخواه، که دیگر بار تو را به زیارت ایشان برگرداند، و زیارت آن بزرگواران آخرین زیارت تو نباشد. علامهٔ مجلسی (ره)، در «بحار» از یکی از نسخه‌های قدیمی، زیارت مبسوطی ایراد فرموده و چون به تصریح ایشان و دیگران، بهترین زیارات برای آن بزرگواران زیارات جامعه است [مجموعه‌ای از زیارات است که به هر کدام زیارت جامعه گفته می‌شود مانند زیارت امین الله، جامعه معروفه و...]. که پس از این ذکر خواهد شد

قصیده‌های سبزه‌آریه

ان شاء الله، به همین خاطر ما در این مقام به همین اندازه اکتفا کردیم، و در باب اول، در ذکر زیارات حجج طاهره علیهم‌السلام در ایام هفته، زیارتی برای حضرت امام حسن علیه‌السلام و زیارتی برای این سه امام بزرگوار نقل کردیم، [صفحه ۱۵۲]، از آنها غفلت نشود. بدان که ما در زیارت هر یک از حجج طاهره علیهم‌السلام غیر از ائمه بقیع علیهم‌السلام صلواتی برای صاحب زیارت ذکر می‌کنیم، و در صلوات بر این بزرگواران اکتفا می‌کنیم به صلواتی که در آخر باب زیارات ذکر می‌شود، به آنجا رجوع شود، و با ذکر صلوات بر ایشان ترازوی اعمال حسنه خود را سنگین کن. بدان که کثرت شوق این مهجور شکسته به آن مشاهد مشرفه مرا وادار می‌کند که از قصیده‌هایی [یعنی قصیده‌ای که قافیه آن حرف «ه» است] فاضل اوحدی، مباح آل احمدی جناب شیخ آری (ره) چند شعری که مناسب با این مقام است ذکر کنم و خود را به آن مشغول نمایم. درباره این قصیده از شیخ الفقهاء العظام خاتم المجتهدین الفخام شیخ محمد حسن، صاحب «جواهر الکلام» نقل شده، که آرزو می‌کرد آن قصیده در نامه عمل او نوشته شود، و کتاب با عظمت «جواهر» در نامه عمل آری ثبت گردد، آری (ره) چنین فرموده است:

قصیده های ازریه

إِنَّ تِلْكَ الْقُلُوبَ أَقْلَقَهَا الْوَجْدُ وَ أَدْمَى تِلْكَ الْعُيُونَ بُكَاهَا

به راستی که شوق این دلها را به پریشانی نشانده و این چشمها را گریه خون آلود نموده

كَانَ أَنْكِي الْخُطُوبِ لَمْ يُبِكْ مِنِّي مُقَلَّةً لَكِنَّ الْهُوَى أَبْكَاهَا

جریحه دار کننده ترین بلاها دیده ام را نگریاند ولی عشق دوست آن را به گریه انداخت

كُلُّ يَوْمٍ لِلْحَادِثَاتِ عَوَادٍ لَيْسَ يَقْوَى رَضْوَى عَلَى مُلْتَقَاهَا

هر روز برای حوادث بازگشتی است که کوه رضوی را قدرت برخورد با آنها نیست

كَيْفَ يُرْجَى الْخَلَاصُ مِنْهُنَّ إِلَّا بِذِمَامٍ مِنْ سَيِّدِ الرُّسُلِ طَه

چگونه امید نجات از آنها می رود مگر با پیمانی از آقای رسولان طه

مَعْقِلُ الْخَائِفِينَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ أَوْفَرُ الْعَرَبِ ذِمَّةً أَوْفَاهَا

حصار محکم هراسندگان از هر هراسی کاملترین عرب از جهت تعهد و وفادارترین آنها

مَصْدَرُ الْعِلْمِ لَيْسَ إِلَّا لَدَيْهِ خَبَرُ الْكَائِنَاتِ مِنْ مُبْتَدَاهَا

سرچشمه دانش جز نزد او نیست خبر کائنات است از ابتدای آنها

فَاضٌ لِلْخَلْقِ مِنْهُ عِلْمٌ وَحِلْمٌ أَخَذَتْ مِنْهُمَا الْعُقُولُ نُهَاهَا

از او دانش و بردباری بر خلق افاضه شد که خردها خردمندی خود را از آن دو گرفت

نَوَّهَتْ بِاسْمِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ كَمَا نَوَّهَتْ بِصُبْحِ ذُكَاهَا

نامش را بلند آوازه کرد آسمانها و زمین، چنان که بلند آوازه کرد صبح را آفتابش

وَعَدَّتْ تَنْشُرُ الْفَضَائِلَ عَنْهُ كُلُّ قَوْمٍ عَلَى اخْتِلَافٍ لُغَاهَا

و اینگونه شد که فضائل او را پخش کردند هر قومی با اختلاف زبانهایشان

طَرَبَتْ لِاسْمِهِ الثَّرَى فَاسْتَطَالَتْ فَوْقَ عُلوِيَّةِ السَّمَاءِ سُفْلَاهَا

به وجد آمد خاک از نامش و برتری گرفت از بلندترین آسمانها پست ترین جایگاهش

جَازَمِنْ جَوْهَرِ التَّقْدُسِ ذَاتًا تَاهَتْ الْأَنْبِيَاءُ فِي مَعْنَاهَا

از نظر ذات از جوهر تقدس گذشت پیامبران در معنای آن میبهوت شدند

لَا يُجَلُّ فِي صِفَاتِ أَحْمَدٍ فِكْرًا فَهِيَ الصُّورَةُ الَّتِي لَنْ تَرَاهَا

فکرت را در صفات احمد جولان مده زیرا همان صورتی است که هرگز آن را نخواهی دید

أَيُّ خَلْقٍ لِلَّهِ أَعْظَمُ مِنْهُ وَ هُوَ الْغَايَةُ الَّتِي اسْتَقْصَاهَا

خدا را کدامین آفریده است که بزرگتر از او باشد او هدفی است که خدا آن را استقصا نموده

قصیده های از زیره

قَلْبَ الْخَافِقِينَ ظَهْرًا لِبَطْنٍ فَرَأَى ذَاتَ أَحْمَدٍ فَاجْتَبَاهَا

خدا شرق و غرب را ظاهر به باطن زیور و کرد پس احمد را دید و او را انتخاب کرد

لَسْتُ أَنْسِي لَهُ مَنَازِلَ قُدْسٍ قَدْ بَنَاهَا التَّقِيُّ فَأَعْلَىٰ بُنَاهَا

من منازل قدس او را فراموش نمی‌کنم که آنها را تقوا بنا کرد پس بنایش را برافراشت

وَرَجَالًا أَعَزَّةً فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أَنْ يُعَزَّ جِمَاهَا

و مردان با عزتی را در خانه‌هایی که خدا اجازه داد حریم آنها عزیز شمرده شود

سَادَةٌ لَا تُرِيدُ إِلَّا رَضَىٰ اللَّهُ كَمَا لَا يُرِيدُ إِلَّا رِضَاهَا

سرورانی که جز رضای خدا را نمی‌خواسته‌اند چنان که خدا هم جز رضای آنان را نمی‌خواست

خَصَّهَا مِنْ كَمَالِهِ بِالْمَعَانِي وَ بِأَعْلَىٰ أَسْمَائِهِ سَمَّاهَا

آنان را از کمال خود به معنایی اختصاص داد و آنان را به برترین نامهایش نامید

لَمْ يَكُونُوا لِلْعَرْشِ إِلَّا كُنُوزًا خَافِيَاتٍ سُبْحَانَ مَنْ أَبَدَاهَا

برای عرش جز گنجهایی نبودند پنهان، منزه است آنکه آشکارشان کرد

كَمْ لَهُمُ السُّنُّ عَنْ اللَّهِ تُنْبِي هِيَ أَقْلَامُ حِكْمَةٍ قَدْ بَرَاهَا

برای آنها چه بسیار زبانهایی است که از خدا خبر می‌دهد آنها قلمهای حکمتی بودند که خدا تراشید

وَهُمُ الْأَعْيُنُ الصَّحِيحَاتُ تَهْدِي كُلَّ عَيْنٍ مَكْفُوفَةٍ عَيْنَاهَا

آنان دیدگان سالمی هستند که راهنمایی کنند هر چشم نابینایی را دو چشم سالم آنها

عُلَمَاءُ أُمَّةٍ حُكْمَاءُ يَهْتَدِي النِّجْمُ بِاتِّبَاعِ هُدَاهَا

دانشمندان امامان حکیمانی هستند که ستارگان با پیروی از هدایت آنها هدایت شوند

قَادَةٌ عَلَيْهِمْ وَرَأَىٰ حِجَاهُ مَسْمَعًا كُلِّ حِكْمَةٍ مَنظَرَاهَا

پیشروانی که دانش و بینش عقلشان شنیدگاه و دیدگاه هر حکمتی است

مَا أَبَالَىٰ وَلَوْ أَهَيْلَتْ عَلَى الْأَرْضِ أَلْسَمَاوَاتُ بَعْدَ نَيْلِ وَلَاهَا

باک ندارم گرچه بر زمین فرو ریزد آسمانها، پس از نائل شدن به دوستی آنان

فکر سایر زیارات در مدینه مطیبه
ب نقل از کتاب «مصباح الزائر» و غیر آن
زیارت ابراهیم پسر رسول خدا

زیارت ابراهیم پسر رسول خدا ﷺ

نزدیک قبر می ایستی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى

سلام بر رسول خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر

حَبِيبِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ؛

محبوب خدا، سلام بر برگزیده خدا، سلام بر راز خدا،

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَاتَمِ

سلام بر محمد بن عبد الله، سرور پیامبران و خاتم

الْمُرْسَلِينَ، وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ. السَّلَامُ

فرستادگان، و برگزیده خدا از خلقش در زمین و آسمان، سلام

عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ. السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالسُّعْدَاءِ

بر همه پیامبران و رسولان خدا، سلام بر شهیدان و سعادتمندان

وَالصَّالِحِينَ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. السَّلَامُ

و شایستگان، سلام بر ما و بر بندگان شایسته، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكَايَةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ

بر توای روح پاک، سلام بر توای جان

الشَّرِيفَةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

شریف، سلام بر تو ای نسل پاکیزه، سلام بر تو

أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكَايَةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى؛ السَّلَامُ

ای انسان پاک، سلام بر توای فرزند بهترین مردم، سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُحْتَبَى؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى

بر توای فرزند پیامبر برگزیده، سلام بر توای فرزند برانگیخته به سوی

كَافَّةِ الْوَرَى؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

تمام مردم، سلام بر توای فرزند مژده دهنده و بیم دهنده، سلام بر توای

يَا بَنَ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ؛

فرزند چراغ نوربخش، سلام بر توای فرزند تأیید شده به قرآن،

زیارت ابراهیم پسر رسول خدا ﷺ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند فرستاده شده به سوی انس و جن، سلام بر تو

يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ

ای فرزند دارای پرچم و نشان، سلام بر تو ای فرزند شفیع

يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ؛

روز قیامت، سلام بر تو ای فرزند کسی که خدا او را مخصوص به کرامت فرمود،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، شهادت می دهم که خدا

لَكَ دَارَ إِعْنَامِهِ، قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ، أَوْ يُكَلِّفَكَ

خانه نعمتش را برای تو برگزید، پیش از آنکه احکامش را بر تو واجب کند، یا تو را به

حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ، فَنَقَلَكَ إِلَيْهِ طَيْبًا زَاكِيًّا مَرْضِيًّا، طَاهِرًا مِنْ

حلال و حرامش مکلف گرداند، پس تو را به سوی خود انتقال داد. پاک و پاکیزه،

كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَرَفَعَكَ

پسنندیده و پاک از هر ناپاکی، منزّه از هر چرک، و در بهشت آسایش جایب داد، و به سوی

إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَا؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، صَلَاةً تَقْرُبُهَا عَيْنُ

درجات برتر بالایت برد، درود خدا بر تو درودی که دیده رسولش را به

رَسُولِهِ، وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ

آن روشن گرداند، و به بزرگترین آرزویش برساند. خدایا قرار ده برترین

وَأَزْكَاهَا، وَأَنْمِي بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا، عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ،

و پاکیزه ترین درودهایت، و فزاینده ترین و کاملترین برکات را بر رسول و پیامبر و برگزیده

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى مَنْ نَسَلَ

از میان بندگانت، محمد خاتم پیامبران، و بر آنان که پدید آمدند

مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ؛

از اولاد پاکش، و بر کسی که یادگار گذاشته از اهل بیت پاکیزه اش،

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان. خدایا از تو درخواست می کنم به حق محمد

زیارت جناب فاطمه زهرا

صَفِيكَ، وَابْرَاهِيمَ نَجِلَ نَبِيِّكَ، أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا،

برگزیده‌ات، و ابراهیم فرزند پیامبرت، اینکه به حق آنان قرار دهی کوششم را مورد سپاس،

وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً،

و گناهم را آمرزیده و زندگی‌ام را و سعادت‌مندانه، و عاقبتم را ستوده،

وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً، وَأُمُورِي بِهِمْ

و حاجاتم را روا گشته، و کارهایم را پسندیده، و امورم را ملازم

مَسْعُودَةً، وَشُؤُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً. اللَّهُمَّ [وَ] أَحْسِنْ لِي

با سعادت، و شؤونم را پسندیده. خدایا، و توفیق را برابم

التَّوْفِيقَ، وَنَفْسَ عَنِّي كُلِّ هَمٍّ وَضِيقٍ. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي

نیکو گردان، و هر اندوه و فشاری را از من برطرف ساز. خدایا مرا از کيفرت

عِقَابِكَ، وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ، وَأَسْكِنِي جَنَّاتَكَ، وَارْزُقْنِي

بر کنار دار، و ثوابت را بی دریغ به من ببخش، و در بهشتت جایم ده، و خوشنودی

رِضْوَانِكَ وَ أَمَانَتِكَ، وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي، وَالِدَتِي

و امانت را روزی‌ام کن، و با من در دعاهای شایسته‌ام شریک کن پدر و مادر

وَ وُلْدِي، وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

و فرزندانم را، و همه مردان و زنان اهل ایمان را، زنده

وَالْأَمْوَاتِ؛ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ. آمِينَ رَبَّ

و مرده آنان را، به درستی که تو صاحب ماندنیهای شایسته‌ای، اجابت فرمای پروردگار

الْعَالَمِينَ. پس حاجات خود را بخواه، و دو رکعت نماز

جهانیان.

زیارت بجا آر.

زیارت جناب فاطمه زهرا

نزد قبر آن مخدّره می ایستی و می گویی: السَّلَامُ عَلَي نَبِيِّ اللَّهِ؛

بر پیامبر خدا، سلام

زیارت جناب فاطمه بنت اسد

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ؛

سلام بر رسول خدا، سلام بر محمد سرور رسولان،

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ؛ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

سلام بر محمد سرور پیشینیان، سلام بر محمد سرور

الْآخِرِينَ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ السَّلَامُ

آیندگان، سلام بر کسی که خدا او را رحمتی برای جهانیان برانگیخت، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ

و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر. سلام بر فاطمه دختر اسد آن

أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ؛

بانوی هاشمیه، سلام بر تو ای صدیقه پسندیده،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ

سلام بر تو ای پرهیزگار پاکیزه، سلام بر تو ای بزرگواری

الرَّضِيَّةُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ؛ السَّلَامُ

خشنود، سلام بر تو ای کفالت کننده محمد خاتم پیامبران، سلام

عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ

بر تو ای مادر سرور اوصیاء، سلام بر تو ای که غمخواری ات

شَفَقَتْهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، خَاتِمِ النَّبِيِّينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ

بر رسول خدا خاتم پیامبران آشکار شد، سلام بر تو ای که پرورشش

تَرَبَّيْتُهَا لِرُؤْيَى اللَّهِ الْأَمِينِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ

برای ولی امین خدا بود، سلام بر تو و بر روح و بدن

الطَّاهِرِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ أَشْهَدُ

پاک تو، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و فرزندت، شهادت می دهم

أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكَفَالََةَ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي

که به خوبی سرپرستی کردی، و امانت را ادا نمودی، و در راه خشنودی

مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالَغْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ،

حق کوشیدی، و نهایت زحمت را در حفظ رسول خدا متحمل شدی، در حالی که به حقش عارف بودی،

زیارت خباب فاطمیه

مُؤْمِنَةً بِصَدَقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً

و به راستگویی اش ایمان داشتی، و به نبوتش معترف بودی، و به نعمتش بصیرت داشتی،

بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ

تربیتش را عهده دار، بر وجودش غم خوار، و به خدمتش مهیا، و خشنودی اش را اختیار نمودی،

[مُؤَثَّرَةٌ هَوَاهُ]، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ، وَالتَّمَسُّكِ

شهادت می دهی، که بر ایمان، و تمسک

بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً،

به شریف ترین ادیان از جهان گذشتی، خشنود و پسندیده، پاک و پاکیزه، پرهیز کار و نظیف،

فَرَضِي اللهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنزِلَكَ وَمَأْوَاكَ .

خدا از تو خشنود باشد، و خشنودت نماید، و منزل و جایگاهت را بهشت قرار دهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَثَبِّتْنِي

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به زیارت او سودم ده، و بر محبتش

عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا، وَشَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا،

پایدارم کن، و مرا از شفاعتش و مرا از شفاعت امامان از نسلش محروم مفرما،

وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ .

و همجواری و محشور شدن با او و فرزندان پاکش را روزی ام کن.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ

خدایا این زیارت را آخرین زیارت از این بانو قرار مده، بازگشت

إِلَيْهَا، أَبَدًا مَا أَبَقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا،

به زیارتش را همیشه تا زنده ام می داری روزی ام فرما، و چون مرا میراندی در گروه او محشورم کن،

وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا؛ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ

و در شفاعتش واردم نما، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان. خدایا

بِحَقِّهَا عِنْدَكَ، وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ، وَلِجَمِيعِ

به حق او مقامش در پیشگاهت، مرا و پدر و مادرم و همه

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ

مردان و زنان با ایمان را بیمارز، و به مادر دنیا و آخرت

زیارت حضرت حمزه در احد

حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

پاداش نیکو عنایت کن، و به رحمت، از عذاب دوزخ نگاهمان دار

سپس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و به آنچه که خواهی دعا می کنی و برمی گردی.

زیارت حضرت حمزه در احد

چون به زیارت آن حضرت نزد قبرش رفتی بگو: السَّلَامُ

سلام بر تو

عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای عموی رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) سلام بر تو ای

يا خَيْرِ الشُّهَدَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ؛

بهترین شهیدان، سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا،

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ،

شهادت می دهم که تو در راه خدای عز و جل جهاد کردی، و جانت را بخشیدی،

وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهِ وَرَاغِبًا؛ يَا

و برای رسول خدا خیر خواهی نمودی، و آنچه را نزد خدای پاک بود رغبت داشتی، پدر

أَنْتَ وَآلِيهِ، أَمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و مادرم فدایت، به سویت آمدم، تا با این آمدن به رسول خدا (درود خدا بر او و

وَآلِهِ، بِذَلِكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ (بِذَلِكَ)

خاندانش باد) تقرب جویم، مشتاق به توام در شفاعت، با زیارتت

خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي، بِمَا

رهایی جانم را می طلبم، به تو پناهنده ام از آتشی که مثل من به خاطر

زیارت حضرت سمر و احد

جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي، الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى

جنایتی که بر خود کرده‌ام مستحق آن است، از گناہانی که بر پشتم بار کرده‌ام

ظَهْرِي، فَرَجًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتَكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ،

گریزانم، به امید رحمت پروردگارم به تو پناهنده‌ام، از راه دور مشقت باری به سویت آمدم،

طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي،

خواهان آزادی‌ام از آتش دوزخ، پشتم را گناہانم سنگین بار کرده،

وَأَتَيْتُ مَا اسْحَطْتَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ

و بجا آورده‌ام آنچه را که پروردگارم را به خشم آورده، احدی را برای خود بهتر از شما

أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ

اهل بیت رحمت نیافتم که به او پناه برم، پس روز تهیدستی و حاجتم شفیع من باش،

سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتَكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عِبْرَتِي

که اندوهگین به سویت سیر کردم، و محزون به جانبت آمدم، و گریه کنان

عِنْدَكَ بَاكِئًا، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَني اللهُ

در پیشگاهت اشک ریختم، و تنها به محضرت آمدم، و تو از کسانی هستی که خدا پیوندش را به من

بِصَلَاتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ،

دستور داده، و به نیکی بر او فرمانم داده، و بر فضلش دلالتم کرده، و به محبتش راهنمایی ام نموده،

وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ؛ أَنْتُمْ

و به وارد شدن بر او تشویقم کرده، و خواستن حوائج را نزد او به من الهام نموده، شما

أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ آتَاهُمْ،

اهل بیتی هستید که هر که دوستتان بدارد هرگز بدبخت نشود، و هر که به جانب شما آید هرگز محروم نگردد، و هر که

وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ. پس رو به قبله

هوای شما را بدارد هرگز زیانکار نشود، و هر که شما را دشمن بدارد هرگز به سعادت نرسد.

می‌کنی، و دو رکعت نماز زیارت بجا می‌آوری، و پس از

تمام شدن نماز، خود را به قبر می‌چسبانی و می‌گویی:

زیارت حضرت سرور احو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ

خدا یا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، خدا یا، من با

لِرَحْمَتِكَ، بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

ملازمت قبر عموی پیامبر (درود خدا بر او و خاندانش باد)، خود را در معرض رحمت قرار دادم،

لِيُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ [وَ سَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ] فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ

تا از انتقامت پناهم دهد، در روزی که ناله‌ها در آن بسیار می‌شود،

الْأَصْوَاتُ، وَ تَشْغُلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا،

و سرگرم شود هر که به آنچه پیش فرستاده، و از خود دفاع نماید،

فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيَّ وَلَا حُزْنٌ، وَإِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ

اگر در آن روز به من رحم کنی، ترس و اندوهی بر من نیست، و اگر کیفرم دهی، پس مولایی هستی

الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ

که او را بر بنده‌اش قدرت کامل است، پس از این روز محرومم مساز، و بدون برآورده شدن

حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ

حاجتم باز نگردان، چرا که خود را به قبر عموی پیامبر چسباندم، و به وسیله او به سوی تو تقرب جستم،

ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، وَ رَجَاءِ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَ عُدْ بِجَلْمِكَ

برای طلب رضای تو، و امید به رحمتت، بنابراین از من بپذیر، و به بردباری‌ات

عَلَى جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَى جِنَايَةِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظَمَ جُرْمِي

بر جهلم به من بازگرد، و به مهرت بر جنایتی که به خود وارد آوردم، هر آینه گناهم بزرگ شد،

وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَانظُرْ الْيَوْمَ

و از اینکه به من ستم کنی نمی‌ترسم، ولی از بدی حساب می‌ترسم، پس امروز غلطیدنم

تَقَلْبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فِيهِمَا فَكُنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ

بر قبر عموی پیامبر را بنگر، پس به حق حرمت آن دو بزرگوار از آتش آزادم کن، و کوششم

سَعْيِي، وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي، وَلَا تَحْجُبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي،

را محروم از رحمت مفرما، و زاری‌ام بر تو سبک نیاید، و صدایم از تو محجوب نگردد،

وَ لَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي؛ يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ، وَيَا

و بدون برآورده شدن حاجتم مرا باز نگردان، ای فریادرس ای دلگیر اندوهگین، ای

زیارت حضرت سمر و احد

مُفَرِّجًا عَنِ الْمَلْهوفِ الْحَيْرَانِ الْغَرِيقِ، الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ،

گشاینده اندوه از غمزه سرگردان و غرق شده مشرف به هلاکت،

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْظُرْ اِلَيَّ نَظْرَةً لَا اَشْقَى بَعْدَهَا

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به من نظر کن نظر کردنی که بعد از آن بدبخت نشوم

اَبَدًا، وَاَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَاَنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ

هرگز، و به زاری و اشک و تنهایی ام رحم کن، من خشنودی ات

رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ اَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدُّ

را امید دارم، و جویای آن خیری هستم، که احدی آن را جز تو عطا نمی کند، پس آرزویم را

اَمَلِي . اَللّٰهُمَّ اِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهٗ الْقُدْرَةُ عَلٰى عِبْدِهٖ، وَجَزَائِهٖ

باز مگردان، خدایا اگر کیفر کنی، پس مولایی هستی که بر بنده اش و سزایش

بِسُوءِ فِعْلِهٖ، فَلَا اَخِيْنَ الْيَوْمَ، وَلَا تَصْرِفْنِيْ بِغَيْرِ حَاجَتِيْ،

به بدی عملش قدرت دارد، پس امروز نومیدم مکن، و بدون حاجتم

وَلَا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصِيْ وَوِفَادَتِيْ، فَقَدْ اَنْفَدْتُ نَفَقَتِيْ، وَاتَعَبْتُ

باز مگردان، و حرکت کردن و آمدنم را ناامید مفرما، زیرا توشه ام را خرج کردم، و بدنم را به

بَدَنِيْ، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَّفْتُ الْاَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا خَوَّلْتَنِيْ،

زحمت انداختم، و بیابانهای خطرناک را پشت سر گذاشتم، و اهل و مال و آنچه را به من دادی

وَآثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلٰى نَفْسِيْ، وَلَذْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، صَلَّى اللهُ

بجای گذاردم و آنچه را نزد تو است بر خود اختیار نمودم، و به قبر عموی پیامبرت (درود خدا بر او

عَلَيْهِ وَآلِهٖ، وَتَقَرَّبْتُ بِهٖ اِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِجَلْمِكَ عَلٰى

و خاندانش باد) پناه بردم، و به وسیله او برای به دست آوردن رضایتت تقرب جستم، پس به بردباری ات

جَهْلِيْ، وَبِرَافَتِكَ عَلٰى ذَنْبِيْ، فَقَدْ عَظَمَ جُرْمِيْ؛ بِرَحْمَتِكَ

بر جهلم، و به رأفتت بر گناهم بازگرد، به راستی گناهم بزرگ شده، به مهربانی ات

يَا كَرِيْمُ يَا كَرِيْمُ .

ای بزرگوار، ای بزرگوار

مؤلف گوید: مدایح جناب حمزه (ره) و فضیلت زیارت آن

زیارت حضرت حمزه در احد

حضرت بیش از آن است که ذکر شود. فخر المحققین (ره) در «رساله فخریه» فرموده است: زیارت حمزه و باقی شهدای مدفون در اُحد مستحب است، زیرا از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ روایت شده: هر که مرا زیارت کند و عمویم حمزه را زیارت نکند، همانا به من جفا کرده است. این فقیر در کتاب «بیت الأحزان» در مصائب سیده زنان عالم نقل کرده‌ام که حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام پس از وفات پدر بزرگوار خود، هر روز دوشنبه و پنجشنبه به زیارت حمزه و شهدای اُحد می‌رفت و نماز می‌خواند و دعا می‌کرد و این عمل را تا زمان وفاتش ترک نکرد. محمود بن لیبید گفته است: آن سیده جلیله کنار قبر حمزه می‌رفت و گریه می‌کرد، من در یکی از روزها به زیارت حمزه مشرف شدم، دیدم آن مظلومه نزد قبر حمزه مشغول به گریه است، من صبر کردم تا از گریه آرام شد، نزدیک رفتم و سلام کردم و گفتم: ای سیده زنان، به حق خدا قسم، با این گریه‌ات رگهای دلم را قطع کردی!! فرمود: ای ابا عمر گریستن برای من شایسته است، زیرا مصیبت بهترین پدرها رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به من رسیده، آنگاه فرمود:

وَأَشَوْقَاهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، و چنین انشاء کرد:

زیارت قبور سمث داواحد

إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ وَذَكَرَ أَبِي مُذْمَمَاتٍ وَاللَّهُ أَكْثَرُ

چون بمیرد روزی مرده‌ای یادش کم شود و یاد پدرم از وقتی که وفات کرد به خدا قسم بیشتر است

شیخ مفید (رحمة الله عليه) فرمود: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) در

عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَمَرَ فِي حَيَاتِهِ بِزِيَارَةِ قَبْرِ حَمْزَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَانَ يُلَمُّ بِهِ

زمان حیاتش به زیارت قبر حمزه امر فرمود، و خود آن حضرت به زیارت حمزه

وَبِالشَّهْدَاءِ، وَلَمْ تَزَلْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَعْدَ وَفَاتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و شهداء می آمد، و فاطمه (درود خدا بر او) همواره پس از وفات پیامبر (درود خدا بر او

وَآلِهِ، تَعْدُو إِلَى قَبْرِهِ وَتَرُوحُ، وَالْمُسْلِمُونَ يَنْتَابُونَ عَلَى زِيَارَتِهِ

و خاندانش باد) همواره صبح و شب به جانب قبر حمزه می رفت، و مسلمانان هم برای زیارت و ملازمت قبر حمزه

وَمُلَازِمَةِ قَبْرِهِ.

نوبت به نوبت می آمدند.

زیارت قبور سمث داواحد

در زیارت ایشان می گویی: السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛

سلام بر رسول خدا،

السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ

سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محمد بن عبد الله، سلام

عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشَّهَدَاءُ

بر اهل بیت پاکش، سلام بر شما ای شهیدان

الْمُؤْمِنُونَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ؛

مؤمن، سلام بر شما ای اهل بیت ایمان و توحید،

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ

سلام بر شما ای یاوران دین خدا و رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد)

السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ، فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ. أَشْهَدُ أَنَّ

سلام بر شما بخاطر آن صبری که کردید، چه خوب است سرانجام خانه آخرت، شهادت می دهم که

زیارت قبور سمشاد و احد

اللَّهُ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ، وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَاشْهَدُ أَنْتُمْ [قَدْ]

خدا شما را برای دینش برگزید، و برای رسولش انتخاب کرد، و شهادت می‌دهم که

جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَذَبَبْتُمْ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ،

شما در راه خدا جهاد کردید جهادی شایسته، و از دین خدا و پیامبرش دفاع نمودید،

وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَاشْهَدُ أَنْتُمْ قُتِلْتُمْ عَلَىٰ مِنْهَاجِ رَسُولِ

و در برابر رسول خدا و جانیازی کردید، و شهادت می‌دهم که بر روش رسول

اللَّهِ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ، وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَآهْلِهِ، أَفْضَلَ

خدا کشته شدیدی، پس خدا شما را از جانب پیامبر و از سوی اسلام و اهلیش پاداش دهد بهترین

الْجَزَاءِ، وَعَرَّفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ،

پاداش، و در محل رضوان و موضع اکرامش شما را به ما بشناسد،

مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ، وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ

در کنار انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین، و آنان از جهت رفاقت

أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا؛ أَشْهَدُ أَنْتُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ

نیکو رفیقانی هستند، شهادت می‌دهم که شما حزب خداید، و اینکه هر کس با شما جنگید،

حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنْتُمْ لِمَنِ الْمُقْرَبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءُ

با خدا جنگیده، و شما از مقربان و رستگاران هستید، آنان که نزد خدا زنده‌اند،

عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ

و روزی داده می‌شوند، لعنت خدا و فرشتگان

وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ آتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا، وَبِحَقِّكُمْ

و همه مردم بر آنان باد که شما را کشتند، ای اهل توحید زیارت کنان به محضر تان آمدم، به حق شما

عَارِفًا، وَزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا، وَمِمَّا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ

آگاهم و به زیارت تان به سوی خدا تقرب می‌جویم، و به آنچه که از اعمال

الْأَعْمَالِ وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ، وَرَحْمَتُهُ

شریفه، و کارهای پسندیده گذشته دانایم، سلام و رحمت

وَبَرَكَاتِهِ، وَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ. اَللَّهُمَّ

و برکات خدا بر شما باد، و لعنت خدا و خشم و غضبش بر آنان که شما را کشتند. خدایا

ذکر مساجد معظّمه در مدینه منوره

انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ، وَثَبَّتْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا

به زیارت اینان سودم ده، و بر قصدشان ثابتم دار، و بر آنچه آنان را بر آن میراندی

تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَع بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ؛

مرا بمیران، و در قرارگاه خانه رحمتت میان من و آنان جمع کن،

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَنَحْنُ بِكُمْ لَأَحِقُونَ.

شهادت می‌دهم که شما بر ما پیشی گرفتید، و ما هم به شما ملحق می‌شویم.

و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را تا توانی می‌خوانی و بعضی گفته‌اند نزد هر شهیدی که او را زیارت می‌کنی دو رکعت نماز بجای آر، و برگرد.

ذکر مساجد معظّمه در مدینه منوره

از جمله مسجد قباست که از آغاز بر پایه پرهیزکاری بنا شده، روایت شده: هر که به آن مسجد برود و دو رکعت نماز بگذارد، با ثواب عمره باز می‌گردد. پس به آن مسجد شریف برو، و دو رکعت نماز تحیت مسجد بجا آور، و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بخوان و زیارت جامعه را که اولش «السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ» است قرائت کن، ما آن را زیارت اول جامعه قرار می‌دهیم و در اواخر باب ان شاء الله تعالی خواهد آمد، پس خدا را بخوان و بگو: «يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ» و

ذکر مساجد معظمه در کتبه منوره

این دعایی است طولانی، و نقلش منافی با اختصار است، هر که خواهد به باب مزار کتاب بحار الأنوار مراجعه کند. و در مشربه أم ابراهیم [یعنی غرفه مادر حضرت ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ] که مسکن و محلّ نماز رسول حق ﷺ بوده نماز بگزار، و نیز نماز بخوان در مسجد فضیخ که نزدیک مسجد قباست و آن را مسجد «ردّ شمس» هم می گویند، همچنین در مسجد فتح که مسجد «احزاب» می خوانند، زمانی که در مسجد فتح از نماز فارغ شدی بگو:

يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيَا مُغِيثَ

ای فریادرس گرفتاران، ای اجابت کننده دعای ناچاران، ای دادرس

الْمُهْمومِينَ، اِكْشِفْ عَنِّي ضُرِّي وَهَمِّي وَكُرْبِي وَغَمِّي، كَمَا

اندوهگینان، بدحالی و اندوه و گرفتاری و غم را برطرف ساز،

كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ

چنان که از پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش باد) اندوهش را برطرف کردی و او را از هراس

عَدُوِّهِ، وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ يَا أَرْحَمَ

دشمنش کفایت نمودی، در آنچه از کار دنیا و آخرت اندیشه مرا مشغول داشته کفایت کن، ای مهربان ترین

الرَّاحِمِينَ.

مهربانان.

و در خانه حضرت سجّاد عليه السلام، و امام صادق عليه السلام و مسجد سلمان (ره)، و مسجد امیرالمؤمنین عليه السلام که مقابل قبر حمزه (ره) است، و مسجد مباحله تا جایی که بتوانی نماز بخوان،

زیارت و دعاء

و به آنچه خواهی دعا کن،

زیارت و دعاء

هرگاه خواستی از مدینه بیرون روی، غسل کن، و نزد قبر رسول خدا ﷺ برو، و آنچه پیش از این انجام می دادی انجام ده، آنگاه آن حضرت را وداع کن و بگو: السَّلَامُ

سلام

عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ أَسْتَوِدُّكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ

بر تو ای رسول خدا، تو را به خدا می سپارم، و از تو می خواهم رعایت کنی،

عَلَيْكَ السَّلَامُ؛ أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ، وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ .

و بر تو سلام می فرستم، به خدا و آنچه تو آوردی و به آن راهنمایی کردی ایمان آوردم.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي

خدایا این زیارت را آخرین نوبت من از زیارت قبر پیامبرت قرار مده، اگر مرا

قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ

قبل از اینکه دوباره به زیارت آیم بمیرانی، پس در مرگم شهادت می دهم، آنچه در حیاتم بر آن شهادت دادم، به اینکه

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

معبودی جز تو نیست، و محمد بنده و رسول توست، درود خدا بر او

وَأَلِهِ. حضرت صادق عليه السلام در وداع قبر پیامبر صلى الله عليه وآله به یونس

و خاندانش.

بن يعقوب فرمود چنین بگو: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ؛

درود خدا بر تو، سلام بر تو،

لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ .

خدا آن را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.

زیارت و دعاء

مؤلف گوید: ما در کتاب «هدیه الزائرین» در بیان تکالیف زائران مدینه طیبه نوشتیم، از چیزهایی که برای ایشان مهم است این است که تا در مدینه معظمه هستند، فرصت را غنیمت دانسته، در مسجد رسول خدا ﷺ بسیار نماز بجای آورند، که نماز در آنجا برابر ده هزار نماز است که در جای دیگر خوانده شود و بهترین مکانهای مسجد روضه شریفه است که بین قبر و منبر قرار دارد. بدان که شیخ ما حاجی نوری در «تحیّه» فرموده است: مقدار جای جسد مبارک پیامبر و ائمه ما (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) از کعبه معظمه به اتفاق جمیع فقها - چنان که شهید (ره) در کتاب «قواعد» به آن تصریح نموده - اشرف است. در حدیث حسن، از حضرمی روایت شده است که امام صادق علیه السلام مرا امر فرمود: در مسجد رسول خدا ﷺ تا می توانم بسیار نماز بخوانم، و فرمود: همیشه ترا میسر نمی گردد به این مکان شریف بیایی ... تا آخر خبر. شیخ طوسی (ره) در کتاب «تهذیب» به سند معتبر از مزارم روایت کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: روزه گرفتن در مدینه و نماز خواندن نزد ستونها واجب نیست، بلکه واجب همان نمازهای پنجگانه و روزه ماه رمضان است، ولی اگر کسی

زیارت‌و‌داع

بخواهد روزه بگیرد برای او بهتر است. و فرمود در این مسجد شریف تا بتوانید بسیار نماز بخوانید، که برای شما بهتر است. بدانید آدمی گاه می‌شود که در دنیا زیرک است، و مردم او را مدح می‌کنند، که فلانی چه بسیار زیرک است، پس امر کسی که در کار آخرت زیرک باشد چگونه است؟ و رسول خدا و ائمهٔ بقیع را در هر روز به اندازه‌ای که برای تو ممکن است به طور مکرر زیارت کن، و هرگاه حجرهٔ رسول الهی را مشاهده کردی بر آن حضرت سلام بده و تا در مدینه هستی مواظب خود باش، و خویش را از گناهان و مظالم حفظ کن و تدبّر و تفکر کن در شرافت آنجا، به خصوص در مسجد شریف که قدمهای مبارک رسول خدا بر آن زمینها گذاشته شده و آن بزرگوار در کوچه و بازار آن تردد نموده، و در آن مسجد نماز خوانده و آنجا جایگاه وحی و تنزیل است، و جبریل امین و ملائکه مقرب در آنجا نازل می‌شدند، و چه خوب گفته شده:

أَرْضُ مَثَى جِبْرِيلُ فِي عَرَصَاتِهَا وَاللَّهُ شَرَّفَ أَرْضَهَا وَسَمَاءَهَا

زمینی که جبریل در عرصاتش راه رفته و خدا زمین و آسمانش را شریف گردانده

و تا ممکن شود، در مدینه صدقه بده، به خصوص در مسجد، و مخصوصاً به سادات و ذریه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

فضیلت زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتب است. علامه مجلسی فرموده: در روایت معتبر وارد شده: درهمی که در آنجا صدقه دهند برابر است با ده هزار درهم صدقه در جای دیگر و اگر برایت ممکن باشد مجاورت آن شهر پاک را اختیار کن، که مجاورت در مدینه مستحب است و احادیث مستفیضه در فضیلت آن وارد شده است.

سَقَى اللَّهُ قَبْرًا بِالْمَدِينَةِ غَيْثًا وَقَدْ حَلَّ فِيهِ الْأَمْنُ بِالْبَرَكَاتِ

خدا قبری را در مدینه با بارانش سیراب کند که در آن فرود آمده امنیت با برکتها

نَبِيُّ الْهُدَى صَلَّى عَلَيْهِ عَلَيْهِ مَلِيكُهُ وَبَلَغَ عَنَّا رَوْحَهُ التُّحَفَاتِ

پیامبر هدایت که خدایش بر او درود فرستد و برساند از ما به روان او هدیهها

وَ صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُ مَا ذَرَّ شَارِقٌ وَلَا حَتَّ نَجْمٌ اللَّيْلِ مُبْتَدِرَاتِ

خدا بر او تا خورشید می تابد و می درخشد ستارگان شب شتابان

فضیلت زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

فصل چهارم

د فضیلت و کیفیت زیارت موالیمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

«و در آن چند مطلب است: مطلب اول: در فضیلت زیارت آن حضرت است.

شیخ طوسی به سند صحیح، از محمد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده: خدا مخلوقی بیشتر از ملائکه خلق

فضیلت زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

نفرمود، به درستی که هر روز هفتاد هزار ملک نازل می‌شوند، و به بیت المعمور می‌آیند و دور آن طواف می‌کنند، چون از طواف آنجا فارغ می‌شوند، به طواف کعبه می‌روند، و چون از طواف کعبه فارغ شدند، به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آیند، و بر آن حضرت سلام می‌کنند، پس از آن به سوی قبر امیر مؤمنان علیه السلام می‌آیند، بر آن حضرت سلام می‌کنند، و بعد از آن نزد قبر حسین علیه السلام می‌آیند و بر آن جناب سلام می‌کنند، پس از آن به آسمان بالا می‌روند، و مانند ایشان هر روز نازل می‌شوند، تا روز قیامت. سپس فرمود: هر که امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت کند، و عارف به حق آن حضرت باشد، یعنی آن جناب را امام واجب الاطاعة، و خلیفه بلا فصل بداند، و از روی جباریت و تکبر نیامده باشد، حق تعالی اجر صد هزار شهید برای او بنویسد، و گناهان گذشته و آینده او را بیامزد، و روز قیامت از جمله ایمنان از هولهای آن روز برانگیخته شود. و خدا حساب را بر او آسان نماید، و هنگام حرکت به سوی زیارت، ملائکه از او استقبال کنند، و چون از زیارت برگردد او را مشایعت نمایند تا به خانه خود برگردد، و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند، و اگر بمیرد جنازه او را

فضیلت زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

مشایعت کنند، و برای او تا کنار قبرش طلب آمرزش نمایند. سیّد عبدالکریم ابن طاووس در کتاب «فرحة الغری» از آن حضرت روایت کرده: هر که پیاده به زیارت امیر مؤمنان علیه السلام رود، حق تعالی به هر گامی ثواب یک حجّ و یک عمره برای او بنویسد، و اگر پیاده برگردد به هر گامی ثواب دو حجّ و دو عمره برای او بنویسد، و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ابن مارد فرمود: ای پسر مارد، هر که جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام را در صورت عرفان به حقّش زیارت کند، حق تعالی برای او به عدد هر گامی حجّ مقبول و عمره پسندیده بنویسد، ای پسر مارد و الله آتش جهنم نمی خورد، گامی که در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام غبار آلوده شود، خواه پیاده رود، و خواه سواره، ای پسر مارد این حدیث را به آب طلا بنویس. و همچنین از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ما می گوئیم در پشت کوفه قبری است، که به آن قبر دردمندی پناه نمی برد مگر آنکه حق تعالی او را شفا کرامت فرماید.

مؤلف گوید: از اخبار معتبر ظاهر می شود که حق تعالی قبر امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السلام را پناهگاه هراسندگان و ملجأ بیچارگان، و امان اهل زمین قرار داده، هر غمناکی که

نزد او برود غمش زائل می شود، و هر دردمندی که خود را به آن بمالد شفا می گیرد، و هر که به آن پناه برد در امان باشد. سید عبد الکریم بن طاووس از محمد بن علی شیبانی روایت کرده است که گفت: من و پدر و عمویم حسین، به طور پنهان، در شب تار به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام رفتیم، و این کار در سال دویست و شصت و اندی بود و من در آن هنگام کودکی صغیر بودم، چون به قبر آن حضرت رسیدیم دیدیم در اطراف آن قبر سنگهای سیاه گذاشته شده و بنایی ندارد، به قبر نزدیک شدیم، عده‌ای از ما مشغول خواندن قرآن، و بعضی مشغول نماز، و برخی سرگرم زیارت شدند، به ناگاه دیدیم شیری به جانب ما می آید، چون نزدیک شد ما به فاصله یک نیزه از آن محل شریف دور شدیم، آن حیوان نزدیک قبر رفت و شروع به مالیدن ذراع خود به قبر کرد، یکی از ما نزدیک شیر رفت و به تماشای او ایستاد، حیوان متعرض او نشد، برگشت و ما را به حال شیر خبر داد ترس از ما برطرف شد، همگی نزدیک او رفتیم، در وضعش دقت کردیم، دیدیم در ذراع او جراحی است و آن حیوان محلّ جراحی را به قبر آن حضرت می مالید، حدود یک ساعت به این حال بود، سپس رفت، ما

هم به حال اوّل خود، به نماز و زیارت و قرائت قرآن برگشتیم. شیخ مفید نقل کرده: هارون الرشید روزی به قصد شکار از کوفه بیرون رفت، و به سوی غریین و ثویه روی نمود، آهوانی را در آنجا دید، فرمان داد، بازهای شکاری و سگان تعلیم دیده را برای شکار آهوانرها کردند، و خود و افرادش نیز بر آنها تاختند، آهوان با دیدن این وضع فرار کرده، به پشتهای پناه بردند و آنجا آرمیدند، بازهای شکاری در ناحیهای افتادند، و سگها از حرکت بازماندند، رشید از این امر شگفتزده شد، دیگر بار آهوان از فراز پشته به نشیب آمدند، بازها و سگها آهنگ آنان نمودند، باز آهوان به آن پشته پناه بردند و حیوانات شکاری از قصد آنان بازگشتند، این عمل سه مرتبه تکرار شد، هارون به شدت شگفتزده شد، غلامان خود را دستور داد، که هر چه سریعتر، کسی که از موقعیت این مکان باخبر باشد نزد من بیاورید، غلامان رفتند، و از طایفه بنی اسد پیرمردی را حاضر کردند، هارون از او پرسید: حال این پشته چیست و این مکان را چه کیفیتی است؟ گفت: اگر مرا امان دهی داستان آن را بیان می کنم، هارون گفت: با خدا عهد کردم که تو را آزار ندهم، و در امان باشی، اکنون آنچه را خبر داری بگو، پیرمرد گفت:

پدرم مرا از پدران خود خبر داد که می گفتند: قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در این پشته واقع است و خدا آن را حرم امن و امان خود قرار داده، که هر چه به آن پناه برد در امان باشد. فقیر گوید: در امثال عرب است که می گویند: احمی من المجیر الجراد فلانی حمایت کردنش، از کسی که در پناه اوست، از پناه دهنده ملخها بیشتر است و داستان آن این است: که مردی بادیه نشین از قبیله طیّ، به نام مدلج بن سوید، روزی در خیمه اش نشسته بود، دید گروهی از طایفه طیّ آمدند، در حالی که جوال و ظرفهایی با خود دارند، پرسید: چه خبر است گفتند: ملخ های زیادی در اطراف خیمه شما فرود آمده اند، قصد صید آنها را داریم، مدلج پس از شنیدن این خبر، بر اسب خود نشست و نیزه اش را به دست گرفت و فریاد زد: به خدا سوگند، هر که متعرض این ملخها شود، او را خواهم کشت: اَیْکُونُ الْجُرَادُ فِی جِوَارِیْ کُمْ تُرِیدُونَ اَخْذَهُ؟ آیا این ملخها در پناه من باشند و شما آنها را صید کنید، چنین کاری نخواهد شد، مدلج پیوسته از آنها حمایت کرد تا آفتاب گرم شد و ملخها در گرمای آفتاب پریدند و رفتند، در آن هنگام به آن جمعیت گفت: این ملخها از جوار من منتقل شدند، خود دانید با آنها!

صاحب قاموس گفته است: ذوالاعواد لقب شخصی بسیار عزیز بوده، بعضی گفته‌اند جدّ اکثم بن صیفی است، طایفه مصر هر سال خراجی به او می پرداختند چون پیر شد او را بالای تختی می‌نشاندند، و در میان قبائل و کنار چاه‌های آب عرب برای جمع آوری خراج می‌گرداندند، به اندازه‌ای عزیز و محترم بود، که هر ترسانی خود را به تخت او می‌رساند ایمن می‌شد، و هر ذلیل و خواری به نزد تخت او می‌آمد، عزیز و ارجمند می‌گردید، و هر گرسنه به او می‌رسید، از گرسنگی می‌رهید، پس هر گاه تخت یک عرب، به این درجه از عزّت و رفعت رسد، چه عجب باشد که حق تعالی قبر ولیّ خود را که حمل‌کننده تابوتش جبرئیل و میکائیل و امام حسن و امام حسین علیهما السلام بوده‌اند، پناه هراسندگان، و ملجأ گریختگان، و فریادرس بیچارگان، و شفای دردمندان، قرار داده باشد؟ بنابراین در هر کجا باشی، خود را به آن قبر برسان، و تا ممکن باشد خود را به آن بچسبان، و اصرار کن، تا به فریادت برسد، و تو را از هلاکت دنیا و آخرت برهاند.

لُذِ اِلَىٰ جُودِهِ تَجِدُهُ زَعِيْمًا بِنَجَاةِ الْعُصَاةِ يَوْمَ لِقَاهَا
 به جودش پناه بر، او را ضامن می‌یابی برای نجات گنهکاران روز دیدارش

عَائِدٌ لِّلْمُؤْمَلِيْنَ مُجِيبٌ سَامِعٌ مَا تُسْرُّ مِنْ نَجْوَاهَا
 عیادت‌کننده آرزومندان است و پاسخ‌دهنده و شنواست آنچه را پنهان کنند از گفتگوی سری

فضیلت زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیؑ

در کتاب «دارالسلام» از شیخ دیلمی نقل شده که جماعتی از صالحان نجف اشرف روایت کرده‌اند: کسی در خواب دید، از هر قبری که در آن مشهد شریف و خارج آن است ریسمانی کشیده شده، که متصل به قبه شریفه حضرت حبل الله المتین امیرالمؤمنین علیؑ است، پس آن شخص چنین انشاد کرد:

إِذَا مُتُّ فَادْفِنِي إِلَى جَنْبِ حَيْدَرٍ أَبِي شُبَّرٍ أَكْرَمٍ بِهِ وَ شَبِيرٍ

زمانی که از دنیا رفتم کنار حیدر دفنم کنید پدر حسن و حسین چه کریم است او

فَلَسْتُ أَخَافُ النَّارَ عِنْدَ جِوَارِهِ وَلَا أَتَّقِي مِنْ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ

در جوار او از آتش نمی‌ترسم و از منکر و نکیر پروا نمی‌کنم

فَعَارَى عَلِيَّ حَامِي الْحِمَى وَهُوَ فِي الْحِمَى إِذَا ضَلَّ فِي الْبَيْدَا عِقَالُ بَعِيرٍ

بر حامی قرقگاه ننگ است که در عرصه حمایتش حتی در بیابان قرقگاهش افسار شتری گم شود

مطلب دوم: در کیفیت زیارت آن حضرت

آگاه باش زیارت های روایت شده برای آن حضرت بر دو بخش است: یکی مطلقه، که مقید به وقتی از اوقات نیست و دیگر مخصوصه، که مقید به وقت معین است، و این زیارات در ضمن دو مقصد بیان می شود:

مقصد اول: در زیارات مطلقه که بسیار است، و ما در اینجا تنها به ذکر چند زیارت اکتفا می کنیم. **اول:** زیارتی است که شیخ مفید و شهید و سید ابن طاووس و دیگران ذکر کرده اند و کیفیت آن به این صورت است: هرگاه اراده زیارت کنی غسل کن، و دو جامه پاک بپوش و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر بوی خوش نیافتی مانعی ندارد، چون از خانه بیرون آمدی بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي**

خدایا از

خَرَجْتُ (تَوَجَّهْتُ) مِنْ مَنْزِلِي، أَبْغِي فَضْلَكَ، وَأَزُورُ وَصِيَّ

خانه ام بیرون آمدم، جوای فضل تو هستم، جانشین پیامبرت

نَبِيِّكَ، صَلِّوْا تُكِّ عَلَيْهِمَا. اللَّهُمَّ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي، وَسَبِّبْ

(درود تو بر آن دو) را زیارت می کنم. خدایا این زیارت را برایم آسان کن، و سببش

الْمَزَارَ لَهُ، وَاخْلُفْنِي فِي عَاقِبَتِي وَحُزْنَاتِي بِأَحْسَنِ الْخِلَافَةِ؛ يَا

را برایم فراهم آر، و مرا نسبت به سرانجام و غمخوارانم جانشین باش به نیکوترین جانشینی، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مهربان ترین مهربانان.

پس روانه شو، در حالی که زبانت گویا باشد به ذکر:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) ، و چون به حدود

کوفه [جایی که در گذشته محل خندق شهر بوده است]

رسیدی بایست و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ ؛ اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ

خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، شایسته کبریایی

وَالْمَجْدِ وَالْعِزَّةِ ؛ اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ التَّكْبِيرِ وَالتَّقْدِيسِ ،

و بزرگواری و عظمت است، خدا بزرگتر است، شایسته بزرگ شمردن و تقدیس

والتَّسْبِيحِ وَالْآلَاءِ ؛ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ ؛ اللَّهُ أَكْبَرُ

و تسبیح و نعمتهاست، خدا بزرگتر است از آنچه می ترسم و حذر می کنم، خدا بزرگتر است،

عِمَادِي وَعَلَيْهِ اتَّوَكَّلُ ؛ اللَّهُ أَكْبَرُ رَجَائِي وَإِلَيْهِ أُنِيبُ . اللَّهُمَّ أَنْتَ

تکیه گاه من است، و بر او توکل می کنم، خدا بزرگتر است، امید من است، و به سوی او باز می گردم. خدا یا تو

وَلِيُّ نِعْمَتِي ، وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي ، تَعْلَمُ حَاجَتِي ، وَمَا

ولی نعمت منی، و بر انجام خواسته ام توانایی، حاجتم و آنچه را

تُضْمِرُهُ هَوَاجِسُ الصُّدُورِ ، وَ خَوَاطِرُ النُّفُوسِ ، فَاسْأَلُكَ

دغدغه های سینه ها و خاطرات نفوس پنهان می کند می دانی، خدا یا از تو می خواهم به حق

بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ، الَّذِي قَطَعْتَ بِهِ حُجَجَ الْمُحْتَجِّينَ ، وَعُذَرَ

محمد مصطفی که به وسیله او حجتهای حجت تراشان، و عذر خواهان

الْمُعْتَذِرِينَ ، وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ، أَنْ لَا تَحْرِمَنِي

را بریدی، و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی، که محرومم نکنی

[ثَوَابَ] زِيَارَةِ وِلِيِّكَ ، وَأَخِي نَبِيِّكَ ، أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَصْدَهُ ،

از ثواب زیارت ولیت و برادر پیامبرت امیرالمؤمنین، و توجه به سویش،

وَتَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ الصَّالِحِينَ، وَشِيعَتِهِ الْمُتَّقِينَ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا

و مرا از واردان شایسته، و شیعیان پرهیزگارش قرار دهی، به مهربانیات، ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . چون قبر شریف آن حضرت برایت

مهربان ترین مهربانان.

نمودار شود چنین بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا اخْتَصَّنِي بِهِ، مِنْ

خدارا سپاس که مرا به

طَيْبِ الْمَوْلِدِ، وَاسْتَخْلَصَنِي إِكْرَامًا بِهِ، مِنْ مُوَالَاةِ الْأَبْرَارِ

پاکی ولادت، اختصاص داد، و مرا از باب کرامت، به دوستی نیکان

السَّفَرَةِ الْأَطْهَارِ، وَالْخَيْرَةِ الْأَعْلَامِ . اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْيِي

و سفیران پاک و بهترین نشانه‌های حق برگزید. خدایا کوششم را به

إِلَيْكَ، وَتَضَرَّعِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا تَخْفَى

درگاهت، و زاری‌ام را به پیشگاهت ببذیر، و گناهانم را که بر تو پوشیده نیست بیامرز،

عَلَيْكَ؛ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْغَفَّارُ .

که تویی خدای فرمانروا و آمرزش پیشه.

مؤلف گوید: چون به هنگام دیدن بارگاه نورانی، حال نشاط و شوقی به زائر دست می‌دهد، بطوری که میل دارد در آن وقت، تمام توجه خود را به آن حضرت متوجه کند و به هر زبان و بیانی که بتواند، مدح و ثنای آن بزرگوار را بگوید، به خصوص اگر زائر از اهل علم و کمال باشد، علاقه دارد، اگر شعر بلیغی در نظر داشته باشد، در چنان حالی زبانش به آن شعر گویا شود، به این سبب، به خاطر رسید که قسمتی از قصیده «هاییه» آزریه را، که مناسب این مقام است ذکر

قطعه‌ای از صید ازیه

نمایم، تا هر که خواست آن را زمزمه کند، امید واثق که سلامی از جانب صاحب این کارنامهٔ سیاه به صاحب بارگاه روشن و سپید نماید، و از دعای خیر فراموشم نفرماید و اشعار این است:

أَيُّهَا الرَّكِبُ الْمُجِدُّ رُوَيْدًا بِقُلُوبٍ تَقَلَّبَتْ فِي جَوَاهَا

ای سوار تندرو مهلت بده به دل‌هایی که در سوزشان زیر و رو شوند

إِنْ تَرَأَتْ أَرْضَ الْغَرِيِّينَ فَاخْضَعْ وَاخْلَعْ النِّعْلَ دُونَ وَادِي طُوحَاهَا

اگر سرزمین نجف نمایان شد خضوع کن و کفش را بیرون دروازه شهرش بیرون آور

وَإِذَا شِمْتَ قُبَّةَ الْعَالَمِ الْأَعْلَى وَ أَنْوَارُ رَبِّهَا تَغْشَاهَا

چون دیده‌ات به گنبد عالم اعلی افتاد، که انوار پروردگارش پوشاند

فَتَوَاضِعْ فَتَمَّ دَارَةٌ قُدْسٍ تَتَمَنَّى الْأَفْلَاكُ لَثَمَ ثَرَاهَا

پس فروتنی کن که آنجا خانه قدس است که افلاک بوسیدن خاکش را آرزو کنند

قُلْ لَهُ وَ الدَّمُوعُ سَفْحُ عَقِيقٍ وَالْحَشَى تَصْطَلِي بِنَارِ غَضَاهَا

به او بگو درحالی که اشکها چون عقیق سرخ ریزان است و درون به آتش فروزانش می‌سوزد

يَابْنَ عَمَّ النَّبِيِّ أَنْتَ يَدُ اللَّهِ الَّتِي عَمَّ كُلَّ شَيْءٍ نَدَاهَا

ای پسر عم پیامبر تو دست خدایی که نم سخایش همه چیز را فرا گرفته

أَنْتَ قُرْآنُهُ الْقَدِيمُ وَ أَوْصَا فُكَّ آيَاتُهُ الَّتِي أَوْحَاهَا

تویی قرآن قدیم و صفات تو آیه‌های آن است که وحی کرد

خَصَّكَ اللَّهُ فِي مَآثِرِ شَتَّى هِيَ مِثْلُ الْأَعْدَادِ لَا تَتْنَاهِي

خدا تو را به افتخارات گوناگونی اختصاص داد که آنها مانند اعداد بی پایان است

لَيْتَ عَيْنًا بَغَيْرِ رَوْضِكَ تَرَعَى قَدَيْتَ وَ اسْتَمَرَّ فِيهَا قَذَاهَا

ای کاش دیده‌ای که در غیر گلستان تو بچرد پراز خاشاک گردد و خاشاک در آن بماند

أَنْتَ بَعْدَ النَّبِيِّ خَيْرُ الْبَرَايَا وَالسَّمَا خَيْرٌ مَا بِهَا قَمَرَاهَا

تو پس از پیامبر بهترین خلایقی و آسمان بهتر چیزی که در آن است مهرماه است

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

لَكَ ذَاتٌ كَذَاتِهِ حَيْثُ لَوْلَا أَنَّهُا مِثْلُهَا لَمَا آخَاهَا

برای تو ذاتی چون ذات پیامبر است و اگر نبود تو را به برادری خود نمی گرفت

قَدْ تَرَضَعْتُمَا بِشَدِيٍّ وَصَالٍ كَانٍ مِنْ جَوْهَرِ التَّجَلَّى غِذَاهَا

هر دو از پستان وصال شیر نوشیده اید که غذای آن از گوهر تجلی بود

يَا آخَا الْمُصْطَفَى لَدَيَّ ذُنُوبٌ هِيَ عَيْنُ الْقَدَى وَأَنْتَ جَلَاهَا

ای برادر پیامبر نزد من گناهایی است که چون چشم خاشاکدار است و تو جلای آنی

لَكَ فِي مُرْتَقَى الْعُلَا وَالْمَعَالَى دَرَجَاتٌ لَا يُرْتَقَى آدَانَهَا

تو را در نردبان شأن و شرافت مقاماتی است که از پایین ترین آن نتوان بالا رفت

لَكَ نَفْسٌ مِنْ مَعْدِنِ اللَّطْفِ صِيغَتْ جَعَلَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ فِدَاهَا

تو را جانی است که از معدن لطف ریخته شده خدا تمام جانها را فدای آن گرداند

چون به دروازه نجف برسی بگو: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا،

خدا را سپاس که ما را به این جایگاه راهنمایی

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَّرَنِي

کرد، و نمی توانستیم به آن راه یابیم اگر خدا راهنمایمان نمی کرد، خدای را سپاس که مرا

فِي بِلَادِهِ، وَحَمَلَنِي عَلَى دَوَابِّهِ، وَطَوَّأَ لِي الْبَعِيدَ، وَصَرَفَ عَنِّي

در شهرهای خود حرکت داد، و بر مرکبهایش سوار نمود، و دور را برایم نزدیک ساخت،

الْمَحْذُورَ، وَدَفَعَ عَنِّي الْمَكْرُوهَ، حَتَّى أَقْدَمَنِي حَرَمَ أَخِي

و محذور را از من برگرداند، و ناخوشایند را از من دور کرد، تا مرا در حرم برادر

رَسُولِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. پس داخل شهر شو، و بگو:

رسولش (درود خدا بر او و خاندانش) وارد نمود.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدَخَلَنِي هَذِهِ الْبُقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ، الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ

سپاس خدای را که مرا وارد کرد به این بقعه مبارکهای که خدا در آن برکت

فِيهَا، وَاخْتَارَهَا لِرُوحِي نَبِيِّهِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهَا شَاهِدَةً لِي. چون

قرار داد، و آنجا را برای جانم پیمبرش اختیار نمود، خدایا آن را گواه من قرار ده.

به درگاه اول برسی بگو: اللَّهُمَّ بِبَابِكَ وَقَفْتُ، وَبِفِنَائِكَ

خدایا به در خانته ایستادم و به درگاهت

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

نَزَلْتُ ، وَبِحَبْلِكَ اعْتَصَمْتُ ، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ ، وَبِوَلِيَّتِكَ

فرود آمدم، و به رشته‌ات چنگ زدم، و متعرض رحمت شدم، و به ولی‌ات

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ تَوَسَّلْتُ ، فَاجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ، وَدُعَاءً

متوسل شدم، آن را زیارتی پذیرفته، و دعایی

مُسْتَجَابًا. چون به در صحن رسیدی بگو: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا

مستجاب قرار ده. خدا یا این

الْحَرَمَ حَرْمُكَ ، وَالْمَقَامَ مَقَامُكَ ، وَاَنَا دَخَلُ اِلَيْهِ ، اُنَاجِيكَ بِمَا

حرم، حرم توست، و مقام، مقام توست، و من وارد آن می‌شوم، و با

اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي ، وَمِنْ سِرِّي وَنَجْوَايَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَنَّانِ

تو مناجات می‌کنم، به آنچه تو به آن از من داناتری، و از نهان و راز من آگاه‌تری، خدای را سپاس، خدای مهربور

الْمَنَّانِ الْمُتَطَوَّلِ، الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيَارَةَ مَوْلَايَ

و نعمت‌بخش و کرم‌کننده، که از کرم اوست که زیارت مولایم را به

يَا حَسَانِهِ ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا ، وَلَا عَنْ وِلَايَتِهِ

احسانش برای من هموار ساخت، و از زیارتش مرا ممنوع نکرد، و از ولایتش

مَدْفُوعًا ، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ. اَللّٰهُمَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ ،

برکنار ننمود، بلکه کرم و احسان کرد. خدایا چنان‌که به معرفتش بر من منت نهادی

فَاَجْعَلْنِي مِنْ شَيْعَتِهِ ، وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ ؛ يَا اَرْحَمَ

پس مرا از پیروانش قرار ده، و به شفاعتش وارد بهشت کن، ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ. اَنگاه داخل صحن شو و بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

مهربانان. خدای را سپاس که

اَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ ، وَمَعْرِفَةِ رَسُوْلِهِ ، وَمَنْ فَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ ،

مرا به معرفتش، و معرفت رسولش، و آنکه طاعتش را بر من واجب کرد گرامی داشت،

رَحْمَةً مِنْهُ لِي ، وَتَطَوُّلًا مِنْهُ عَلَيَّ ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْاِيْمَانِ ؛ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

و این از باب رحمت و بخشش به من بود، و به ایمان بر من منت نهاد، خدای را سپاس

الَّذِي اَدْخَلَنِي حَرَمَ اَخِي رَسُوْلِهِ ، وَاَرَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ ؛ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

که مرا به حرم برادر رسولش وارد نمود، و آن را در حال سلامت کامل به من نشان داد، خدای را سپاس که

الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُورِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

مرا از زیارت کنندگان قبر جانشین رسولش قرار داد، شهادت می‌دهم که معبودی جز

اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

خدا نیست، یگانه و بی‌شریک است، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست،

جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو

که به حق از نزد خدا آمد، و شهادت می‌دهم که علی بنده خدا و برادر

رَسُولِ اللَّهِ. اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ

رسول خدا است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست، و خدا

أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ، وَتَوْفِيقِهِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ

بزرگتر است و سپاس خدای را بر راهنمایی‌اش، و توفیقش به آنچه از راهش به سوی آن

سَبِيلِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَفْضَلُ مَقْصُودٍ، وَاَكْرَمُ مَا تَتَى، وَقَدْ اَتَيْتَكَ

فرا خوانده. خدایا تو برترین مقصود، و کریم‌ترین کسی هستی که به نزدت آمده‌اند، من اینک

مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ، بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَبِأَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

به سویت آمده‌ام، به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت، و برادرش امیر المؤمنین

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

علی بن ابیطالب (درود خدا بر آن دو باد) به سوی تو تقرب می‌جویم، پس بر محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَاَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ تَنْعَشُنِي

محمد درود فرست و کوشش مرا نومید مکن، و به من نظر کن، نظری رحیمانه

بِهَا، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

که به وسیله آن مرا از هلاکت نجات دهی، و مرا نزد خود در دنیا و آخرت ابرومند و از مقربان قرار ده.

چون به رواق برسی بایست و بگو: السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ،

سلام بر رسول خدا،

أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، اَلْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا

امین خدا بر وحی‌اش، و واجبات دستورش، ختم‌کننده آنچه گذشته، و فتح‌کننده آنچه

اسْتُقْبِلَ، وَالمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛

خواهد آمد، و مسلط بر آنچه گذشت و می‌آید، و بر او باد رحمت خدا و برکاتش،

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ؛ السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ؛

سلام بر دارنده آرامش، سلام بر دفن شده در مدینه،

السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ؛ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ

سلام بر یاری شده مؤید، سلام بر ابوالقاسم محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. پس وارد رواق شو، و وقت

عبدالله و رحمت خدا و برکاتش.

ورود پای راست را مقدم بدار، و بر در حرم بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریک ندارد، و گواهی می‌دهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ، وَصَدَّقَ

که محمد بنده و رسول اوست، از نزد او به حق آمده و رسولان را

الْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

تصدیق کرده، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو

يَا حَبِيبَ اللَّهِ، وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

ای محبوب خدا، و برگزیده از خلقش، سلام بر امیر مؤمنان

عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِ اللَّهِ؛ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ

بنده خدا، و برادر رسول خدا، ای مولایم ای امیر مؤمنان، بنده تو،

وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ، جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِذِمَّتِكَ، قَاصِدًا

و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو، به نزدت آمده، پناه می‌جویم به عهدت، قصد می‌کنم

إِلَى حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ؛

به سوی حرمت، روی می‌نمایم به مقامت، متوسل به خدای تعالی هستم به وجودت،

أَدْخُلُ يَا مَوْلَايَ؟ أَدْخُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ

آیا وارد شوم ای مولایم، آیا وارد شوم ای امیر مؤمنان، آیا وارد شوم ای حجت

اللَّهِ؟ أَدْخُلُ يَا أَمِينَ اللَّهِ؟ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ

خدا، آیا وارد شوم ای امین خدا، آیا وارد شوم ای ملائکه خدا، که مقیم

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

[المُقَرَّبِينَ] فِي هَذَا الْمَشْهَدِ؟ يَا مَوْلَايَ، أَتَأْذِنُ لِي بِالْدُخُولِ،

این زیارتگاه هستی؟ ای مولای من آیا اجازه ورود می‌دهی

أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ؟ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا،

برترین اجازه‌ای که به یکی از دوستانت داده‌ای، اگر من شایسته آن نیستم

فَأَنْتَ أَهْلٌ لِي لِذَلِكَ.

تو شایسته‌ای.

پس عتبه را ببوس، و پای راست را برای وارد شدن مقدم
بدار، و در حال ورود بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى

به نام خدا، و با خدا، و در راه خدا، و بر کیش رسول خدا (درود)

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ؛ إِنَّكَ

خدا بر او و خاندانش باد، خدایا مرا ببامرز، و به من رحم کن و توبه‌ام را بپذیر،

أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

تویی توبه‌پذیر مهربان.

سپس حرکت کن تا در برابر قبر مطهر قرار گیری، و پیش
از رسیدن به قبر توقف کن، و روی خود را به سوی قبر

کرده و بگو: السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، آمِينَ اللَّهُ

سلام از خدا بر محمد رسول خدا، آمین خدا

عَلَى وَحْيِهِ وَرِسَالَاتِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ، وَمَعْدِنِ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ،

بر وحی و پیامهایش، و فرمانهای حتمی‌اش، و معدن وحی و تنزیل،

الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ،

ختم‌کننده آنچه گذشته، و فتح‌کننده آنچه می‌آید، و چیره بر تمام گذشته، و آینده،

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

الشَّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ، السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَالسَّلَامِ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

گواه بر خلق، چراغ تابنده، و سلام و رحمت و برکات

وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ،

خدا بر او. خدایا بر محمد و اهل بیت مظلومش درود فرست،

أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ، وَأَشْرَفَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

برترین و کامل ترین و بالاترین، و شریف ترین درودی که بر یکی از

أَنْبِيَائِكَ، وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

انبیا و رسولان و برگزیدگان فرستادی خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان

عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَآخِي رَسُولِكَ، وَوَصِيِّ

بندهات و بهترین خلق خود پس از پیامبرت، و برادر رسولت، و جانشین

حَبِيبِكَ، الَّذِي أَنْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ

محبوبت، که او را از میان خلقت برگزیدی، و راهنمایی بر کسی که به پیامهایت

بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَانَ الدِّينِ بَعْدِكَ، وَفَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ

برانگیختی، حاکم دین به عدلت، و جداکننده حکم تو میان

خَلْقِكَ، وَالسَّلَامِ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

آفریدگانت، و سلام و رحمت و برکات خدا بر او خدایا درود فرست بر

الْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ، الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ

امامان از فرزندان، آنان قیام کنندگان به فرمانت پس از او، آن پاکانی که آنان

ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَارًا لِدِينِكَ، وَحَفَظْتَ لِسِرِّكَ، وَشُهَدَاءَ عَلَى

را پسندیدی برای یاری دینت، و نگهبانی رازت، و گواهان بر

خَلْقِكَ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِكَ، صَلَّوْا تَكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. السَّلَامُ

آفریدگانت، و نشانه هایی برای بندگانت (درود تو بر همه ایشان)، سلام

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَوَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ

بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، جانشین و خلیفه

وَخَلِيفَتِهِ، وَالْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَرَحْمَةُ

رسول خدا، قیام کننده به فرمان خدا، پس از پیامبر، سرور جانشینان و رحمت

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ . السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ

و بركات خدا بر او باد، سلام بر فاطمه دختر رسول خدا (درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ

بر او و خاندانش باد، سرور زنان جهانیان، سلام بر حسن

وَالْحُسَيْنِ ، سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت از میان همه آفریدگان،

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ

سلام بر امامان راه یافته، سلام بر انبیا

وَالْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَى

و رسولان، سلام بر امامان که عهد خدا به آنان سپرده شده، سلام بر

خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى الْمُتَوَسِّمِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَى

خاصه خدا از میان خلقش، سلام بر دارندگان صفات شایسته، سلام بر اهل

الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ ، وَوَأَزَرُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ، وَخَافُوا

ایمان بر آنان که به امر خلق قیام کردند، و از اولیای خدا پشتیبانی نمودند، و با ترس

بِخَوْفِهِمْ. السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى

آنان ترسیدند، سلام بر فرشتگان مقرب، سلام بر ما

عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. پس برو تا نزدیک قبر بایستی، رو به قبر

و بندگان شایسته خدا.

و پشت به قبله کن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؛

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ ؛

سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ التَّقَى ؛ السَّلَامُ

بر تو ای امام هدایت، سلام بر تو ای نشانه تقوا، سلام

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ، النَّقِيُّ الْوَفِيُّ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

بر تو ای جانشین نیکوکار، پرهیزگار پاکیزه وفادار، سلام بر تو ای پدر

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ؛ السَّلَامُ

حسن و حسین، سلام بر تو ای ستون دین، سلام

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَدَيَانَ يَوْمِ

بر تو ای سرور جانشینان، و امین پروردگار جهانیان، و داور روز

الدِّينِ، وَخَيْرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدِ الصِّدِّيقِينَ، وَالصَّفْوَةِ مِنْ

جزا، و بهترین مؤمنان، و سرور صدیقان و برگزیده از

سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ، وَبَابِ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَخَازِنِ وَحْيِهِ،

نژاد انبیا و در حکمت پروردگار جهانیان و خزانهدار وحیش

وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَالنَّاصِحِ لِأُمَّةِ نَبِيِّهِ، وَالتَّالِيِ لِرَسُولِهِ، وَالْمُؤَايِسِ

و مخزن علمش، و خیر خواه امت پیامبرش و پیرو رسولش، و همدردی کننده

لَهُ وَبِنَفْسِهِ، وَالتَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعِيَ إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَالمَاضِيِ

با او با جانش، و گویای به حجتش، و دعوت کننده به شریعتش، و درگذرنده

عَلَى سُنَّتِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَن رَسُوْلِكَ مَا حُمِّلَ،

بر آئینش. خدایا من شهادت می دهم که آنچه را از رسولت بر عهده داشت به مردم رساند،

وَرَعَى مَا اسْتُحْفِظُ، وَحَفِظَ مَا اسْتُوْدِعَ، وَحَلَّلَ حَلَالَكَ،

و نگهداری کرد آنچه نگهداری اش از او خواسته شده بود، حلال را حلال کرد،

وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَاقَامَ اَحْكَامَكَ، وَجَاهَدَ النَّاكِثِيْنَ فِي

و حرمت را حرام کرد، و احکامت را برپا داشت، و با پیمان شکنان در

سَبِيْلِكَ، وَالْقَاسِطِيْنَ فِي حُكْمِكَ، وَالمَارِقِيْنَ عَن اَمْرِكَ،

راهت و ستمکاران در حکومت، و بیرون رفتگان از فرمانت جهاد کرد،

صَابِرًا مُّحْتَسِبًا، لَا تَأْخُذُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَّا اِجْمَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ،

شکیبا و جوینده مقام قرب تو بود، در راه تو سرزنش سرزنش کنندگان را به چیزی نگرفت. خدایا بر او درود فرست،

اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ، وَاصْفِيَّاكَ وَاَوْصِيَاءِ

بهترین درودی که بر یکی از دوستانت، و برگزیدگان و جانشینان

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

أَنْبِيَائِكَ. اللَّهُمَّ هَذَا قَبْرُ وَليِّكَ ، الَّذِي فَرضتَ طاعتهُ ،

پیامبرانت فرستادی. خدایا این قبر ولیّ توست که اطاعتش را واجب کردی،

وَجَعَلتَ فِي أعناقِ عِبادِكَ مُبايعتهُ ، وَخَليفتِكَ الَّذِي بِهِ

و بیعتش را بر عهده بندگانت قرار دادی، و خلیفیات که به خاطر او

تَأخُذُ وَتُعْطى ، وَبِهِ تُثيبُ وَتُعاقِبُ ، وَقد قَصَدتُهُ طَمَعًا لِمَا

مؤاخذه می کنی، و می بخشی، و به سبب او پاداش می دهی و کیفر می نمایی، من به طمع آنچه

أعددتُهُ لِأولِيائِكَ ، فَبِعَظِيمِ قَدْرِهِ عِنْدَكَ ، وَجَليلِ خَطْرِهِ

برای اولیایت مهیا کرده‌ای آهنگ زیارت او کرده‌ام، پس به حق بزرگی مرتبه‌اش نزد تو، و موقعیت فوق العاده‌اش

لَدَيْكَ ، وَقُرْبِ مَنزِلتِهِ مِنْكَ ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

به پیشگاهت و نزدیکی منزلتت از تو، بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

وَافْعَلْ بِي ما أنتَ أَهلُهُ ، فَإِنَّكَ أَهلُ الكَرَمِ وَالجودِ؛ وَالسَّلَامُ

و با من چنان کن که تو شایسته‌ای، به درستی که تو اهل کرم و بخششی، و سلام

عَلَيْكَ يا مَولايَ ، وَعَلَي ضَجيعِكَ آدَمَ وَنوحَ ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم، و بر دو آرمیده در کنارت آدم و نوح،

وَبَرَكَاتُهُ . پس ضریح را ببوس و در کنار سر بایست، و بگو:

(درود خدا بر آنان باد)

يا مَولايَ إِلَيْكَ وَفودى ، وَبِكَ اتَوَسَّلُ إِلى رَبِّي ، فى بُلوغِ

ای مولایم، ورودم بر توست، و به وسیله تو به پروردگارم، در رسیدن به مقصودم

مَقصودى ، وَأشْهدُ أَنَّ المُتَوَسِّلَ بِكَ غَيْرُ خائِبٍ ،

متوسل می شوم، و شهادت می دهم که متوسل به تو محروم نیست،

وَالمُتَوَسِّلُ بِكَ عَن مَعْرِفَةٍ غَيْرِ مَردودٍ ، إِلا بِقضاءِ حَوائِجِهِ ،

و خواستار به وسیله تو از روی معرفت مردود نمی‌باشد، به یقین حاجات او برآورده شود،

فَكُنْ لى شَفيعًا إِلى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي ، فى قِضاءِ حَوائِجى ،

پس به درگاه تو خدا پروردگارت و پروردگارم شایع من باش، در برآمدن حاجاتم،

وَتيسيرِ أُمورى ، وَكَشْفِ شِدَّتى ، وَغُفرانِ ذَنبى ، وَسَعَةِ

و آسان شدن کارهایم، و برطرف شدن سختی‌ام، و آمرزش گناهم، و وسعت